



دعای جوشن صغیر

در کتب معتبره بشرحی مبسوط تر از شرح جوشن کبیر نقل شده و کفعمی در حاشیه بلد الامین فرموده که این دعائیست رفیع الشأن عظیم المنزله و چون موسی هادی عباسی قصد قتل حضرت کاظم علیه السلام نمود آن حضرت این دعا را خواند جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود حق تعالی هلاک خواهد کرد دشمن تو را و این دعا در مهج الدعوات سید بن طاووس نیز نقل شده و ما بین نسخه کفعمی و سید اختلافست و ما موافق بلد الامین کفعمی نقل نمودیم و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلٰهِي، كَرِّمْ مِنْ عَدُوِّ أَنْتَضَى عَلَى سَيْفِ عَدَاوَتِهِ، وَشَحْدَ لِي ظُبَّةً

معبودا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی بروی من کشید و لبه kardش را برایم تیز کرد

مِدْيَتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شَبَاحَهُ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَسَدَّدَ لِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ،

و دم برنده‌اش را برایم آماده کرد و زهرهای کشنده‌اش را برایم آمیخته و نشان گرفت بسوی من تیرهای

نشانگیرش را



وَلَمْ تَنْمَ عَنِّي عَيْنٌ حِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يُسُومَنِي الْمَكْرُوهَ،

و چشمش در مراقبت من به خواب نرفت و در دل گرفت که به من آزاری رساند

وَيُجَرِّعَنِي ذُعَافَ مَرَارَتِهِ، نَظَرْتُ إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْقَوَادِحِ،

و جرعه های تلخ زهر خود را به گلویم بریزد در این حال تو به ناتوانی من نگریستی که طاقت تحمل

وَعَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِجَارِبَتِهِ،

ناگوار را ندارم و عجز مرا در استمداد برای کسی که به قصد جنگ با من برخاسته دیدی

وَوَحَدْتِي فِي كَثِيرٍ مِّمَّنْ نَاوَانِي، وَأَرَصَدَلِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي الْإِرْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ،

و تنهایی مرا در مقابل انبوه دشمنانی که قصد آزار مرا کرده و سر راهم کمین کرده اند و فکر من در خلاصی از آنها به جایی نمی رسد مشاهده کردی

فَأَيَّدْتَنِي بِقُوَّتِكَ، وَشَدَدْتَ أَرْزِي بِنُصْرَتِكَ،

پس مرا به نیروی خود کمک دادی و بوسیله یاری خود پشتم را محکم بستی

وَفَلَّلْتَ لِي حَدَّنْ، وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَسْبِهِ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ،

و تیغ برنده دشمن را بر من کند کردی و او را پس از زحمانی که در جمع آوری نفرات و وسایل نابودی من کشیده بود خوار کردی



وَوَجَّهَتْ مَاسِدَّ دَالِيٍّ مِنْ مَكَائِدِ إِلَيْهِ، وَرَدَدَتْهُ عَلَيْهِ،

و مرا بر او توفیق دادی و شرّ آن نقشه‌های شومی که برای من کشیده بود به خودش برگرداندی

وَلَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ، وَلَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غَيْظِهِ، وَقَدْ عَضَّ عَلَىٰ أُنَامِلِهِ، وَأَدْبَرَ

و عطش او را در نابودی من فرو نشانیدی و دلش را در این باره خنک نکردی و در حالی که از سوز خشمش بر من انگشت به دندان می‌گزید پشت کرده و

مُوَلِّيًا قَدْ أَخَفَقَتْ سَرَايَاهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ،

فرار کرد و تجهیزات جنگی و نفرات او درهم شکست پس ستایش برای تو سزااست پروردگارا که نیرومندی هستی شکست ناپذیر

وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

و بردباری هستی که شتاب نخواهی کرد درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران نعمتهای خود

وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَعَانِي بِمَكَائِدِ،

و از یادکنندگان بخششهای خویش قرار ده معبودا و چه بسیار ستم پیشه ای که با نقشه شومش به من ستم کرد و



وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدٍ، وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ،

برای شکار کردنم دام ها نهاد و مرا دقیقاً زیر نظر گرفت

وَاضْبَأْ إِلَىٰ إِضْبَاءِ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، اِنْتَظَارًا لِإِنْتِهَازِ فُرْصَتِهِ،

و مانند درنده‌ای که برای شکار گریخته خود کمین می‌کند به کمین من نشست تا فرصتی بدست آرد با اینکه

وَهُوَ يُظَهِّرُ لِنَاشَةِ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ، فَلَمَّا رَأَيْتَ دَخَلَ سَرِيرَتِهِ،

در صورت ظاهر خود را از روی تملق بشناس نشان می‌داد و روی گشاده بی حقیقتی به من می‌نمود، و هنگامی که توای خدا نادرستی باطن او را دیدی

وَقُبِحَ مَا أَنْطَوَىٰ عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مِلَّتِهِ، وَأَصْبَحَ مُجَلِبًا لِي فِي بَعْغِهِ،

و زشتی نیتش را برای هم‌کیشش مشاهده فرمودی و دیدی که چگونه مرا بسوی ستم خود می‌کشد او را به مغز به زمین زدی

أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ، وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ، فَصَرَعْتَهُ فِي زُبَيْتِهِ،

و ریشه اش را از بیخ و بن برکندی و او را در همان چاهی که برای من کنده بود درافکندی

وَرَدَيْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، وَجَعَلْتَ خَدَّكَ طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ،

و در گودالی که به دست خود حفر کرده بود سرنگونش کردی و گونه اش را مطابق خاک پایش کردی



وَشَغَلْتُهُ فِي بَدَنِهِ وَرِزْقِهِ، وَرَمَيْتُهُ بِحَجْرِهِ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتْرِهِ، وَذَكَّيْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ،

و او را سرگرم تن و روزی خودش کردی و به سنگ خودش او را زدی و بازه کمان خودش جاننش بگرفتی و بوسیله سرنیزه‌های خودش او را هلاک ساختی

وَكَبَبْتَهُ لِنُحْرِهِ، وَرَدَدْتُ كَيْدَهُ فِي نُحْرِهِ، وَرَبَقْتَهُ بِبِنْدَامَتِهِ،

و برو درافکندی و مکر و حيله‌اش را به خودش برگرداندی و در بند پشیمانی گرفتارش کردی و پشتش را در زیر بار

وَفَسَّاتُهُ بِحَسْرَتِهِ، فَاسْتَحْذَأَ وَتَضَائِلَ بَعْدَ نُحْوَتِهِ، وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ،

حسرت خم کردی تا آنکه پس از همه نخوت و تکبر خوار گشته به زانو درآمد

ذَلِيلًا مَّأْسُورًا فِي رَبْقِ حَبَالَتِهِ، الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي

و پس از گردن کشی با خواری مخصوصی ریشه کن شد و در بند دام خود که در روز تسلطش آرزو داشت مرا در آن ببیند

فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ، وَقَدْ كَدْتُ يَا رَبُّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ، أَنْ يُحِلَّ لِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ،

گرفتار شد و ای پروردگار من اگر رحمت تو نبود چیزی نمانده بود که به همان بلایی که او دچار شده من دچار گردم



فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی که شتاب نمی‌کنی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران نعمت هایت قرار ده

وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ بِحَسْرَتِهِ،

و از یادکنندگان عطاهایت بدار خدایا چه بسیار حسودی که حسرت در گلویش گیر کرده

وَعَدُوِّ شَجِيٍّ بَغِيْظِهِ، وَسَلَقْنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَوَحْزَنِي بِمُوقِ عَيْنِهِ،

و دشمنی که خشم او در گلویش شکسته و با زبان تیزش مرا آزرده و نگاه خشمگین خود را از گوشه چشم همچون تیری بر بدنم فرو کرده

وَجَعَلْنِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ، وَقَلَّدَنِي خِلَالَ لَمْ تَنْزَلْ فِيهِ، نَادِيَّتِكَ يَا رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ،

و مرا هدف تیرهای خود قرار داده و کارهایی را به گردنم انداخت که من ای پروردگارم پیوسته در این باره از روی پناه خواهی تو را خواندم



وَإِثْقَابِ سُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلاً عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ،

به خاطر اطمینانی که به سرعت اجابت تو داشتم و بر سابقه خوبی که همیشه در دفاع کردنت داشتم توکل نمودم

عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ،

و می دانستم که هرکس در سایه حمایت تو مأوی گیرد مورد ستم و ظلم کسی واقع نگردد

وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوَادِثُ مِنْ بَجَائِلِ مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ،

و آنکس که به قلعه کمک خواهی تو پناه برد حوادث کوبنده روزگار براو کارگر نشود

فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ،

و تو ای خدا بوسیله نیرویت مرا از آزار او در پناه گرفتی پس از آن تو است ستایش ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست ناپذیر

وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ.

و بردباری هستی بدون شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران نعمت هایت



وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، اَلْهِى، وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَّتْهَا،

و از یادکنندگان عطاهایت قرار ده خدایا و چه بسا ابرهایی از گرفتاری (که بسویم در حرکت بود) و تو پراکنده
شان کردی

وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطَرَتْهَا - وَجَدَّاءٍ كَرَامَةٍ أَجْرَتْهَا،

و چه بسا آسمان نعمتی که بر من فرو باریدی و نه‌های بزرگواری که روان کردی

وَأَعْيُنٍ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَنَاشِيَةٍ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَجُنَّةٍ عَافِيَةٍ أَلْبَسَتْهَا،

و چشمه های جوشان حوادثی که رویش را پوشاندی و لکه های کوچکی از ابر رحمتت که آنرا پهن کردی و
زره های تندرستی که بر بدنم پوشاندی

وَعَوَامِرٍ كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا، وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا،

و گرداب هایی از اندوه که برطرف کردی و امور جاریه دیگری که مقدر کردی

لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا، وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا،

و تو هرگاه خواستیشان از طلب آنها درنماندی و هرگاه آنها را اراده فرمودی قدرت برامتناع نداشتند



فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

پس تو را است ستایش ای پروردگار من ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل

محمد

وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَلْيَتِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ،

و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمت هایت و از یادکنندگان عطاهایت

إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَمِنْ كَسْرٍ أَمْلَاقٍ جَبَرْتَ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ،

خدایا و چه بسا خوش گمانی مرا که صورت عمل دادی و چه بسیار شکست های بی چیزی مرا که جبران

کردی و نداری های سخت و کمرشکن را که از من گرداندی

وَمِنْ صَرْعَةٍ مَهْلِكَةٍ نَعَشْتَ، وَمِنْ مَسْقَةٍ أَرَحْتَ،

و سقوط های نابودکننده ای که بلندم کردی و چه سختی ها که مبدل به راحتی کردی

لَأَسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ، وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ،

باز خواست نشوی از آنچه می کنی ولی دیگران بازخواست شوند و هرچه خرج کنی چیزی از تو کاسته نگردد



وَلَقَدْ سَأَلْتَ فَأَعْطَيْتَ، وَلَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ، وَاسْتَمِجْ بَابُ فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتَ،

و چون از تو بخواهند می دهی و اگر هم نخواهند تو به ی سابقه خواستن عطا می کنی و از درگاه فضل تو احسان خواستند و تو دریغ نداشتی

أَبَيْتَ إِلَّا أَنْعَامًا وَأَمْتَنَانًا، وَالْأَتَطُولُ يَا رَبِّ وَاحْسَانًا، وَأَبَيْتُ

ندادی جز از راه نعمت بخشی و امتنان و جز از راه عطابخشی بی پایان خود ای پروردگار من و احسانت ولی من هم درمقابل نکردم

إِلَّا أَنْتَ كَالْحُرْمَاتِ، وَأَجْتَرَاءٌ عَلَى مَعْصِيكَ، وَتَعَدِّيًا لِحُدُودِكَ،

جز پرده دری محرمانت و دلیری بر ارتکاب معاصی و نافرمانی هایت و تجاوز از حدود تو

وَعَفْلَةٌ عَنْ وَعِيدِكَ، وَطَاعَةٌ لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ لَمْ يَمْنَعَكَ يَا إِلَهِي وَنَاصِرِي

و بی خبری از تهدید تو و پیروی از دشمن خود و دشمن تو، ای معبود و ای یاور

إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ وَلَا حِجْزَنِي ذَلِكَ عَنْ إِرتِكَابِ مَسَاطِئِكَ،

بزرگواری من کوتاهی من در سپاس گزاری تو را از اتمام احسان و نیکی به من بازداشت و اتمام احسان و نیکی تو نیز مانع من از ارتکاب اعمالی که موجب خشم تو است نشد



اَللّٰهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيْلٍ اَعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوْحِيْدِ، وَاَقْرَعَ عَلٰى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيْرِ فِيْ اَدَاءِ حَقِّكَ،

خدایا اکنون به حال بنده خواری درآمده ام که معترف بیگانگی تو است و به زیان خود اعتراف می کند که در ادای حق تو کوتاهی کرده

وَشَهِدَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ، وَجَمِيْلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ، وَاِحْسَانِكَ اِلَيْهِ،

و گواهی دهد که تو نعمت خود را بر او فروگذار نکردی و از شیوه نیک و احسان خود نسبت به او کوتاهی نکردی

فَهَبْ لِيْ يَا اِلٰهِيْ وَسَيِّدِيْ مِنْ فَضْلِكَ مَا اُرِيْدُهُ اِلَى رَحْمَتِكَ،

پس ای معبود و آقای من از فضل خویش بدان اندازه به من ببخش که بتوانم خود را به رحمتت برسانم

وَاَتَّخِذْهُ سُلْمًا اَعْرُجْ فِيْهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ، وَاَمْنٌ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ، بِعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ،

و آنرا نردبانی قرار داده و به وسیله آن بسوی خوشنودی تو بالا روم و بدان سبب از خشم تو ایمن گردم به حق عزت و کرم

وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ

و به حق پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِيْ اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،

که نیرومندی هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد



وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَلْنَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي،

و قرارم ده از شکرگذاران نعمت هایت و از یادکنندگان عطایا و مراحمت، خدایا

وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ الصَّدْرِ،

چه بسا بنده ای که شب و روزش در سختی مرگ بگذرد و جان به سینه اش رسیده

وَالنَّظْرِ إِلَى مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَتَفْزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

و بنگرد بدانچه بدنها از هولش بلرزد و دلها بطپد و من در تمام آن مناظر واحوال آسوده و در سلامتی بسر برم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ،

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت

وَلَا لِأَلْنَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

و از یادکنندگان عطاهایت خدایا و چه بسا بنده ای که بسر برد شب و



وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مَوْجَعًا فِي أَنْتَةٍ وَعَوِيلٍ، يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ مَحِيصًا،

روز خود را در بیماری دردناک و در ناله و فریاد و از اندوه به خود می پیچد نه راه چاره ای دارد

وَلَا يُسَيِّغُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا، وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ

و نه غذا و نوشابه ای براحتی از گلویش پایین رود و من تندرست

وَسَلَامَةٌ مِنَ الْعَيْشِ، كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

و از سلامتی کامل برخوردار هستم و همه این نعمت ها از تو است پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست ناپذیر

وَذِي أَنْتَ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

و بردباری هستی بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران نعمت هایت

وَلَا لِأَنْتَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

و از یادکنندگان عطایا و مراحمت قرارم ده خدایا و چه بسا بنده ای که بسر برد

أَمْسَى وَأَصْبَحَ خَائِفًا مَرَّعًا مَوْجَعًا، وَجِلًّا هَارِبًا طَرِيدًا، مُنْجِرًا

شب و روز خود را در ترس و خوف و هراس و اضطراب از خانه خود گریخته و آواره گشته و از ترس



فِي مَضِيقٍ وَمَجْبَأَةٍ مِنَ الْحَبَابِ، قَدْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا،

در بیغوله ای رفته و در خفا گاهی خود را پنهان کرده و زمین بدین پهناوری از هر سو بر او تنگ شده

لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا مَنجِيًّا، وَلَا مَأْوَى، وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطُمَأْنِينَةٍ، وَعَافِيَةٍ

نه راه چاره ای دارد و نه جا و مأوایی و من در کمال امنیت و آسایش و سلامتی

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ،

از این ناراحتی ها بسر برم پس خاص تو است ستایش ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست ناپذیر و
بردباری هستی بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاس گزاران نعمت هایت

وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

و از یاد کنندگان عطایا و مراحمت ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده ای که

أَمْسَى وَأَصْبَحَ مَعْلُولًا مُكْتَبَلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَاةِ،

شب و روزش در غل و زنجیر آهنین بگذرد در حالی که به دست دشمنانی



لَا يَرْحَمُونَهُ، فَقِيدَ أَمِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعًا عَنِ إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ،

بی رحم گرفتار و دور از زن و فرزند و جدای از برادران و شهر و دیار

يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بِأَيِّ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ، وَبِأَيِّ مُثَلَّةٍ يُمِثَّلُ بِهِ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

هر ساعت انتظار می کشد که آیا به چه نحوی او را می کشند و یا به چه طور اعضای او را می بُرند و من در عافیت کامل و دور از تمام این ها بسر برم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ،

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سپاس گزاران نعمت هایت و از یادکنندگان

وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ يُقَاسِي الْحَرْبَ،

عطایا و مرحمت خدایا و چه بسا بنده ای که شب و روزش را در حال جنگ بسر می برد و خود را آماده پیکار کرده

وَمُبَاشَرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ، قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

دشمنان با شمشیر و نیزه و سایر وسایل جنگی از هر سو احاطه اش کرده اند



بِالسُّيُوفِ وَالرِّمَاحِ وَآلَةِ الْحَرْبِ، يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ،

و او در زیر آن همه اسلحه های آهنین گم شده و حد اعلاى كوشش خود را برای نجات می کند

لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا، قَدْ أُذِنَ بِالْجِرَاحَاتِ، أَوْ

ولی راه چاره و گریزی ندارد و زخم های گران برداشته یا

مُتَشَطِّبًا بَدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ وَالْأَرْجُلِ، يَتَمَنَّى شَرِبَةَ مِنْ مَاءٍ، أَوْ

زیر سم اسب ها و پاها در خون خویش غلطیده آرزوی یک شربت آب یا

نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

یک نظر به زن و فرزند خود را دارد ولی هیچ یک برایش میسر نیست و من از اتمام آنها در عافیت و سلامت بسر

برم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِتَعْمَانِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَاكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمت هایت و از یادکنندگان عطاها و بخشش هایت



إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ،

خدایا و چه بسا بنده ای که شب و روز کند در تاریکی های دریاها

وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأَمْوَاجِ، يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ،

و یا تند باد ها و هراس ها و امواج خروشان دریا که انتظار غرق و هلاکت را می کشد

لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ، أَوْ مُبْتَلًى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ، أَوْ

و راه چاره ندارد یا آن کس که گرفتار شده به صاعقه یا زیر آوار رفتن یا آتش سوزی یا

شَرَقٍ أَوْ خَسْفٍ، أَوْ مَسْحٍ أَوْ قَذْفٍ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

استخوان به گلو گیر کردن یا به زمین فرو رفتن یا مسخ یا قذف یا در پرتگاهی گیر کرده و من از این ها همه آسوده و

راحت هستم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُجْعَلُ، صَلَّى عَلَى

پس خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنْتِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ،

محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاس گزاران نعمت هایت و از یاد کنندگان عطاها و مرحمت هایت



إلهي، وَاَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ أَهْلِهِ وَوَالِدِهِ،

خدایا و چه بسا بنده ای که شب و روزش در مسافرت می گذرد دور از زن و فرزند

مُتَحَيِّرًا فِي الْمَافِوزِ، تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ

حیران در بیابان ها در حال سرگردانی با حیوانات وحشی و چهارپا

وَالْهُوَامِ، وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا، أَوْ مُتَأَذِيًا

و گزنده تک و تنها زندگی می کند نه چاره ای به نظرش می رسد و نه راه به جایی برد یا دچار آزار

بِبَرْدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ عُرْيٍ أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلُوءٌ،

سرما یا گرما یا گرسنگی یا برهنگی یا سایر سختی ها شده که من از آنها همه آسوده ام

فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ،

و در تندرستی و آسایش از آنها هستم پس خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر

وَذِي أَنَا لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاس گزاران نعمت هایت و از یاد کنندگان



وَلَا لَائِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ، اِلٰهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

عطایا و مراحممت ای خدا و ای آقای من و چه بسا بنده ای که بسر برد

اَمْسَى وَاصْبَحَ فَقِيْرًا عَائِلًا، عَارِيًا مُمْلَقًا، مُخْفِقًا مَجْرُورًا، جَائِعًا ظَمْئًا،

شب و روز خود را در حال فقر و تنگدستی و برهنگی و یأس و هجران دوستان و گرسنگی و تشنگی

يَنْتَظِرُ مَنْ يُعَوِّدُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ، أَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ عِنْدَكَ، هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ،

و چشم به راه است تا آیا کسی بر او احسانی کند یا (چه بسا) برده و غلام آبرومندی در پیش تو که از من که
آزادم آبرومندتر

وَأَشَدُّ عِبَادَةً لَّكَ، مَعْلُومًا مَقْهُورًا، قَدْ حَمَلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ،

و عبادت و طاعتش به درگاه تو بیشتر است و زیر زنجیر و قدرت ارباب است و بار سنگین بردگی بر دوش دارد

وَشِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ، وَكُلْفَةِ الرِّقِّ، وَثِقَلِ الصَّرِيْبَةِ، أَوْ مُبْتَلَاً بِبَلَاءٍ شَدِيْدٍ،

چه از رنج و تعب و چه سختی کارهای بردگی و چه مشقت غلام بودن و چه پرداخت وجه سنگین به ارباب خود
یا آن شخصی که به بلاء و



لَا قِبَلَ لَهُ [بِهِ] إِلَّا بِمَنْكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا الْخَدُومُ الْمُنْعَمُ، الْمُعَافَى الْمَكْرَمُ،

سختی دچار گشته و تاب تحمل آن را ندارد جز اینکه تو در رفع آن بر او کمک کنی ولی مرا هم دیگران خدمت کنند و هم نعمت بخشند

فِي عَافِيَةٍ مِّمَّا هُوَ فِيهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ،

و هم تندرست و گرامی و از آنچه اوبدان گرفتار است آسوده ام پس ستایش در برابر این همه نعمت خاص تو است که نیرومندی هستی شکست ناپذیر

وَذِي أَنَا لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلَنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

و بردباری هستی که شتاب نکند درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از شکرگزاران نعمتهایت

وَلَا لَائِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ، [إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ شَرِيدًا طَرِيدًا،

و از یادکنندگان عطایا و مراحمت ای معبود و آقای من چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در حال آوارگی

حَيْرَانَ مُتَحَيِّرًا جَائِعًا خَائِفًا خَاسِرًا، فِي الصَّحَارَى وَالْبُرَارَى قَدْ أَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبُرْدُ

و حیرانی و سرگردانی و گرسنگی ترسان و زیان رسیده در میان صحراها و بیابان ها سرما و گرما او را بی تاب کرده و



وَهُوَ فِي ضَرْمٍ مِنَ الْعَيْشِ وَصَنَّاكَ مِنَ الْحَيَوَةِ وَذُلُّ مِنَ الْمَقَامِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا، عَلَى
ضَرْوًا وَلَا نَفْعٍ

در وضع فلاکت بار و زندگی سخت و جای خوار و پستی بسر می برد و از روی حسرت به خود می نگرد و قدرت بر سود و زیان خود ندارد

وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ، وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای خدای نیرومند شکست ناپذیر

وَذِي أَنَاةٍ لَا تَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَلْبَائِكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ،

و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت ها و یادکنندگان عطاهایت

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، نسخة المجلسي

و به رحمت خویش بر من رحم کن ای ارحم الراحمین

إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ عَلِيلاً مَرِيضاً سَقِيماً مُدْنِئاً

ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در حال دردمندی و بیماری و ناخوشی که

در بستر



عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا، يَتَقَلَّبُ يَمِينًا وَشِمَالًا، لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ،

بیماری و جامه ناخوشی افتاده و از شدت ناراحتی به این پهلو و آن پهلو می چرخد و چیزی از لذت نوشیدنی و خوراک نمی فهمد

يُنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و از روی حسرت به خود می نگرد و قدرتی بر سود و زیان خود ندارد ولی من به واسطه جود و کرم تو از تمام اینها آسوده ام

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أَنْتَ لَا يُعْجَلُ،

پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای خدای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از زمره پرستش کنندگان خود و از جمله سپاس گزاران نعمت هایت و یادکنندگان عطاهایت

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمْرٍ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ،

و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربان ترین مهربانان ای سرور من و ای آقای من و چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در حالی که



وَقَدْ دَنَا يَوْمَهُ مِنْ حَتْفِهِ، وَأَحْدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي أَعْوَانِهِ، يُعَالِجُ سَكْرَاتِ الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ،

عمرش بسرآمده و فرشته مرگ با اعوان و یارانش دور بستر او را گرفته و او در سختی های جان کندن و گرداب های مرگ غوطه می خورد

تَدُورُ عَيْنَاهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَأَوْدَادِهِ وَأَخِلَّائِهِ، قَدْ مُنِعَ مِنَ الْكَلَامِ وَوَجِبَ عَنْ

الْحِطَابِ، يَنْظُرُ

چشمانش به راست و چپ می گردد نگاه به دوستان و رفقا و یاران صمیمی خود می کند و یارای سخن گفتن ندارد و از گفتار بازمانده از روی حسرت به خود می نگرد

إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

که هیچ بر سود و زیان خود قادر نیست و من ای خدا به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

پس معبودی نیست جز تو منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت هایت



وَلَا لَائِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و از یادکنندگان عطاها و بخشش هایت و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربان ترین مهربانان

مَوْلَايَ وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ

ای سرور و آقای من و چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در تنگنهای

الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ، وَكَرَبَهَا وَذُهَا وَحَدِيدَهَا يَتَدَاوُلُهُ أَعْوَانُهَا

زندانبها و محبسها و در ناراحتیها و خواری و زنجیر آهنین زندان گرفتار است و زندانبانها

وَزَبَانِيَّتُهَا، فَلَا يَدْرِي أَيُّ حَالٍ يَفْعَلُ بِهِ، وَأَيُّ مَثَلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ،

دژخیمان دست به دست او را بگردانند و او نمی داند به چه سرنوشتی دچار خواهد شد و چه عضوی از او را قطع خواهند کرد

فَهَوِيَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ، وَصَنِكَ مِنَ الْحَيَاةِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً،

پس آن بیچاره در وضع فلاکت بار و زندگی سختی بسر می برد از روی حسرت به خود می نگرد که

لَا يُسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

قادر بر سود و زیان خود نیست و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام



فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنْوَالٍ لَا يُعْجَلُ،

پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی‌شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده در زمره پرستش کنندگان خود و شکرگذاران نعمتهایت

وَلِإِلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و از یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خویش بر من ترحم کن ای مهربان ترین مهربانان

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ،

ای آقای من و سرور من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روزش را در حالی که به سرنوشت بدی دچار گشته

وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَفَارَقَ أَوْدَانَهُ، وَأَجْبَأَهُ وَأَخْلَانَهُ،

و گرفتاری از چهار طرف او را احاطه کرده و از دوستان و یاران و رفقای صمیمی دور گشته

وَأَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ، يَتَدَاوُلُونَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا،

و شبش در حال اسارت و کوچکی و ذلت در دست کفار و دشمنان بسر آید که او را دست بدست به راست و

چپ بگردانند



قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ، وَثُقِّلَ بِالْحَدِيدِ، لَا يَرَى شَيْئًا

و در سیاه چال ها زندانی شده و به زنجیر و آهن بسته نه از روشنی دنیا ببیند

مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً،

و نه از نسیم جان بخشش بر او بوزد از روی حسرت به خویشتن بنگرد

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

و قادر بر سود و زیان خویش نباشد و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام پس معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنْتَ مِنَ الدَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و قرارم ده از پرستش کنندگان و از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خود به من
ترحم کن ای مهربان ترین مهربانان*



إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمِ مَنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اشْتَقَ إِلَى الدُّنْيَا لِلرَّغْبَةِ،

ای خدای من و آقایم و چه بسا بنده ای که شام و یا صبح کرده و روی میلی که بدنیا دارد

فِيهَا إِلَى أَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ حِرْصًا مِنْهُ عَلَيْهَا،

مشتاقانه خود و مالش را به خطر انداخته از روی حرصی که بر آن دارد

قَد رَكِبَ الْفُلْكَ وَكَسِرَتْ بِهِ وَهُوَ فِي آفَاقِ الْبِحَارِ وَظَلَمَهَا يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا،

سوار بر کشتی شده و کشتی او شکسته و او در کرانه‌ها و تاریکی های دریا از روی حسرت به خود می نگرد
قدرتی بر سود و زیان خود ندارد

عَلَى ضَرٍّ وَلَا نَفْعٍ وَأَنَا خِلْوٌ ذَلِكَ كُلُّهُ، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا
يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و من به جود و کرم تو از همه اینها آسوده ام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست ناپذیر و
بردبار بی شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ
الدَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از پرستش کنندگان و از سپاسگزاران نعمت هایت و از یاد
کنندگان عطاهایت



وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اِلهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسَى وَاصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَ عَلَيْهِ
الْقَضَاءُ،

و به رحمتت به من ترحم کن ای مهربان ترین مهربانان ای معبود من و آقایم و چه بسا بنده ای که شب و یا صبح کرده و قضا بر او ادامه یافته

وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَالْكَفَّارُ وَالْأَعْدَاءُ، وَأَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ، وَالسُّيُوفُ وَالسَّهَامُ، وَجُدَلَ صَرِيحاً

و بلا و کفار و دشمنان او را احاطه کرده و نیزه ها و شمشیرها و تیرها دورش را گرفته

وَقَدْ شَرِبَتِ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَأَكَلَتِ السَّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ،

و برو در افتاده زمین از خونس رنگین و درندگان و پرندگان گوشتش می خورند و من به جود و کرم تو از آن آسوده ام

لَا بِاسْتِحْقَاقِي مَنِّي يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا تَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ،

نه اینکه مستحق آن باشم ای که معبودی جز تو نیست منزهی ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد



وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَلَانِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ..-

نسخة المجلسی

و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت هایت و یاد کنندگان عطاهایت و به رحمتت به من ترحم کن ای مهربان ترین مهربانان *

وَعِزَّتِكَ يَا كَرِيمٌ لَا تُطْبِنَنَّ مِمَّا لَدَيْكَ، وَلَا تُحِنَنَّ عَلَيْكَ،

سوگند به عزت تو ای بزرگوار که من از آنچه پیش تو است می خواهم و در این باره پافشاری دارم

وَلَا مُدَنَّ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ، يَا رَبِّ فَبِمَنْ أَعُوذُ وَبِمَنْ أُوذُ لَا أَحَدًا لِي إِلَّا أَنْتَ،

و دستم را با اینکه گناهکار است به سویت دراز کنم پروردگارا (اگر به درگاه تو نیایم) به که پناه ببرم و به که روآورم کسی را جز تو ندارم

أَفْتَرُدُّنِي وَأَنْتَ مُعَوَّلِي وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ،
وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ،

آیا تو هم مرا برانی در صورتی که تو تکیه گاه منی و توکلم بر تو است از تو خواهم به حق آن نامت که بر آسمان نهادی و پابرجا شد و بر زمین نهادی و مستقر شد



وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأُظْلِمَ، وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و بر کوه ها نهادهی استوار شد و بر شب نهادهی تاریک شد و بر روز نهادهی روشن گردید که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلِّهَا، وَتَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا،

و همه حاجتهای مرا برآوری و همه گناهانم بیامرزی چه کوچک باشد و چه بزرگ

وَتَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و روزیم را به اندازه‌ای فراخ گردانی که به وسیله آن به شرافت دنیا و آخرت برسم ای مهربانترین مهربانان

مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي، وَبِكَ اسْتَجَرْتُ فَأَجِرْنِي،

ای سرور من به تو یاری جویم پس درود فرست بر محمد و آل محمد و یاریم ده و به تو پناه آورده‌ام پس پناهم

ده

وَأَغْنِنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ، وَبِمَسْئَلَتِكَ عَنْ مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ، وَأَنْقُلْنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ

الْغِنَى،

و مرا به وسیله اطاعت خویش از اطاعت بندگانت بی‌نیاز کن و به وسیله درخواست از خود از درخواست مخلوقت

مستغنی ساز



وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَمًا لَا بِاسْتِحْقَاقٍ

مِنِّي،

و مرا از ذلت ندادی و فقر بسوی عزت دارایی منتقل کن و از خواری گناهان به شوکت اطاعت ببر زیرا که تو از روی جود و کرم خویش مرا بر بسیاری از خلق خویش برتری دادی و این نه به خاطر استحقاق من بود

الهِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

وَلِإِلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

خدایا پس ستایش خاص تو است در همه اینها درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و یادکنندگان عطاهایت

پس به سجده برو و بگو:

سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ لَوْجْهِكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لَوْجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي،

به خاک افتاد روی خوارم برای روی عزیز و بزرگوارت به خاک افتاد روی کهنه و فانی من در برابر روی جاویدان و همیشگی تو،

سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لَوْجْهِكَ الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ، سَجَدَ وَجْهِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي وَلِحْمِي وَدَمِي وَجِلْدِي

وَعَظْمِي،

به خاک افتاد روی فقیر من برای روی بی نیاز بزرگ تو به خاک افتاد رو و گوش و چشم و گوشت و خون و پوست و استخوان



وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ عُدْ عَلَيَّ جَهْلِي بِحِلْمِكَ،

و هر چه از من که روی زمین است برای خدا پروردگار جهانیان خدایا بر نادانی من به بردباری خویش بازگرد

وَعَلَى فَقْرِي بِغِنَاكَ، وَعَلَى ذُلِّي بِعِزِّكَ وَسُلْطَانِكَ، وَعَلَى ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ،

و بر نیازمندیم به بی نیازیت و بر خواریم به عزت و سلطنتت و بر ناتوانیم به توانائیت

وَعَلَى خَوْفِي بِأَمْنِكَ، وَعَلَى ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ،

و بر ترسم به امان بخشیت و بر گناهان و خطاهایم به عفو و رحمتت ای بخشاینده ای مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرِيْكَ فِيْ نَحْرِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، فَاصْفِنِيْهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ
وَأَوْلِيَائَكَ مِنْ خَلْقِكَ،

خدایا من دفع فلان پسر فلان دشمنم را از تو خواهم و از شر او به تو پناه برم پس شرش را از من دور کن آن
گونه که پیمبران و دوستانت را از گزند آفریدگانت

وَصَالِحِيْ عِبَادِكَ مِنْ فِرَاعِنَةِ خَلْقِكَ، وَطُغَاةِ عُدَاتِكَ وَشَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ،

و بندگان شایسته ات را از گزند فرعونیان و یاغیان و سرکشان خلقت و از شر همه مخلوقات نگه داشتی



بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

به رحمت ای مهربان ترین مهربانان که تو بر هر چیز توانایی و بس است ما را خدا و نیکو و کیلی خواهد بود